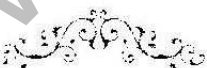




حقوق بین الملل بشردوستانه



مؤلفین:

دکتر محمد المنجدوب - دکتر طارمه المنجدوب

مترجم:

دکتر محمد ابوالفتحی



سرشناسه : المجذوب، محمد - المجذوب، طارمه

عنوان و نام پدیدآور : حقوق بین الملل بشردوستانه، مترجم: دکتر محمد ابوالفتحی

مشخصات نشر : تهران، کتاب آوا، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری : ۱۲۳ ص

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۴۸-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

شناسه افزوده: : ابوالفتحی، محمد، ۱۳۴۵

موضوع: : حقوق بین الملل بشردوستانه - Humanitarian law

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ح ۳ الف ۱/۲ KZ۶۴۷۱

رده بندی دی بی : ۳۴۱/۶۷

شماره کتابشناسی : ۵۲۹۰۹۸۷

حقوق بین الملل بشردوستانه



انتشارات کتاب آوا

مؤلفین:	محمد المجذوب - دکتر طارمه المجذوب
مترجم:	دکتر محمد ابوالفتحی
ناشر:	کتاب آوا
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۱۱۰۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۴۸-۳

نشانی دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست حقیقت، پلاک ۱، طبقه ۲، واحد ۴
شماره های تماس: ۶۶۹۷۴۶۴۵ | ۶۶۹۷۴۱۳۰ | ۶۶۴۰۷۹۹۳ | دورنگار: ۶۶۴۶۱۱۵۸

www.avabook.com avabook_kazemi@yahoo.com

فروشگاه کتاب آوا: اسلام شهر، خیابان صیاد شیرازی (خیابان دانشگاه) - نبش کوچه فرمانداری
تلفن: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاذب آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی دی، افست، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

فهرست مطالب

۷ مقدمه

۱۵ مقدمه مترجم

فصل اول: توجه جهانی به حقوق بشر

۲۱ بخش اول: علل توجه جهانی به حقوق بشر

۲۳ بخش دوم: روند تاریخی حقوق و آزادی‌ها

۲۹ بخش سوم: اراج چهارگانه در روند تاریخی حقوق بشر

فصل دوم: تعریف حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مهمترین مبانی و اصول آن

۴۲ ۱- نظریه‌ی مبانی مرتب‌شده در دوره شوالیه‌ها

۴۳ ۲- نظریه‌ی مبانی انسانیت

۴۳ ۳- نظریه ضرورت‌ها

فصل سوم: رابطه میان حقوق بین‌الملل بشر و دیگر قوانین و کنوانسیونها

۴۷ بخش اول: رابطه میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل برای بشر

۵۳ بخش دوم: رابطه میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری

۵۴ بخش سوم: رابطه میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و امنیت بین‌المللی صلیب سرخ

فصل چهارم: سهم حقوق‌دانان و متفکران در تبلور حقوق بین‌الملل بشر و وستانه

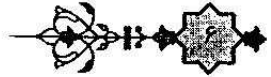
۵۹ بخش اول: عبدالرحمن الأوزاعی (۷۰۷-۷۰۴ م)

۶۱ بخش دوم: محمدبن حسن الشیبانی (۷۵۰-۸۰۴ م)

۶۵ بخش سوم: گروسیوس Grotius (۱۵۸۳-۱۶۴۵)

۶۶ بخش چهارم: ژان ژاک روسو (Rousseau) (۱۷۱۲-۱۷۷۸)

۶۹ بخش پنجم: سهم و نقش متفکران قرن نوزدهم



فصل پنجم: پیشرفت و ترقی حقوق بین الملل بشر دوستانه در قرن بیستم..... ۷۵

- بخش اول: صفت جنگجو برای افرادی غیر از قوای نظامی..... ۷۸
- بخش دوم: اعمال انتقام جویانه و گازهای خفه کننده..... ۸۲
- بخش سوم: جرائم جنگی و کشتار دسته جمعی..... ۸۴
- بخش چهارم: موافقتنامه های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹..... ۸۵
- بخش پنجم: پیشرفت حقوق بین الملل بشردوستانه پس از سال ۱۹۴۵..... ۸۶

فصل ششم: گروه های تحت حمایت حقوق بین الملل بشردوستانه..... ۹۱

- بخش اول: گروه ها، اشخاص تحت حمایت..... ۹۴
- بخش دوم: اصول و قواعد مخصوص گروه های تحت حمایت..... ۱۰۱

فصل هفتم: تحول مفاهیم جرم بین المللی..... ۱۰۹

- اول: تحول مفهوم جرم کشتار دسته جمعی..... ۱۱۱
- دوم: تحول مفهوم جرائم جنگی..... ۱۱۳
- سوم: تحول مفهوم جرائم ضدانسانی..... ۱۱۵

نتیجه گیری پایانی..... ۱۱۸

- حقوق بین الملل بشردوستانه و عدالت کیفری..... ۱۱۹

جنگ از گذشته تاکنون، درگیری میان دو دولت یا دو گروه یا بیشتر بوده است که در آن، طرفین درگیر تمامی سلاح‌های کشنده و مهلکی را که در اختیار دارند برای تسلط بر دشمن و تحمیل شرایط صلح و سازش، بکار می‌گیرند. جنگ، در اندیشه و عمل، پیوسته از بدو خلقت و رشد و تکامل بشری به همراه او بوده است. جنگ پدیده‌ای بشری است و قواعد آسمانی و موضوعه نرآنست. پس آن را حل و فصل نمایند. پدیده‌ای که در واقع موجب فاجعه‌ای انسانی می‌شود.

شاید اولین درگیری و جنگ در میان بشری، برخاسته از اختلاف در نهاد و سرشت زندگی، میان کشاورزان و گله‌داران بوده است. هنگامی که انسان با فنون و روشهای کشاورزی آشنا شد، اولین جوامع انسانی نیز متولد یافت، زیرا کشاورزی اقتضای آن را داشت که انسان در یک مکان ثابت و بدون تغییر، اقامت بخندد، بماند، داشته باشد.

از این رو، اندیشه مالکیت فردی و جمعی پدید می‌آید که منجر به تعیین حدود مالکیت‌های مختلف و متعدد می‌شود. از اینجاست که ضرورت تشکیل قدرت و حکومت برای حل و فصل اختلافات میان مالکان احساس می‌گردد و کشاورزان برای حفاظت از زمین‌ها و محصولاتشان برمی‌آیند. کشاورزان معمولاً مسالمت‌جو بوده و عموماً مطیع حاکمیت قانونی می‌باشند، اما گله‌داران اقوامی مهاجراند که با گله‌هایشان از مکانی به مکان دیگر، در جست‌وجوی چراگاه‌اند. از این رو آنها موصوف به داشتن قدرت بدنی، شجاعت و قساوت‌اند و تمایل و رغبتی به داشتن خانه و وطن ندارند.

بدین سان، اختلاف در نهاد و سرشت زندگی، میان کشاورزان و گله‌داران، ریشه اولین نزاع و منازعه در تاریخ بشری است. افسانه‌های قدیمی و قصه‌های مختلفی از اولین اسباب و علت‌های برافروختن جنگ‌هایی که انسان نخستین قربانی آنها بوده است، بیان شده است. در



فصولی از تورات، نقل شده که آدم و حوا دو پسر به نامهای هابیل و قابیل داشتند: هابیل گوسفندان را چرا می داد، در حالی که قابیل بر روی زمین کار می کرد، یعنی کشاورزی می نمود. این دو، می بایست قربانی (فدیه های) تقدیم خداوند نمایند. پس قربانی قابیل از محصولات زمینش بود و قربانی هابیل یک بره، قربانی هابیل مورد توجه و پذیرش پروردگار قرار گرفت، اما به قربانی هابیل توجهی نشد. قابیل از این وضعیت خشمناک شده و هنگامی که این دو در مزرعه بودند، اقدام به قتل هابیل نمود.

از این روایت چنین استنتاج می شود که اولین دشمنی در تاریخ بشر، از جانب کشاورزان، در مقابل گله داران رده شده است؛ گرچه افسانه های مصری، داستان متفاوتی را مطرح کرده اند، در آنجا روایت شده که «ست»، الهه صحرا، برادرش «اوزیرس» الهه کشاورزی را غافلگیر کرده، او را به قتل رساند و اجزای بدنش را در مکان های مختلف زمین پراکنده می سازد. در هر حال، پژوهشگران را این باورند که علل و اسباب جنگ ها، متعدد و پیچیده و متداخل اند و ترکیبی از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و عقیدتی و دیگر عوامل در بروز جنگها دخالت داشته اند، گرچه بخش اقتصادی یکی از مطالعات و مباحث آنها را دربرمی گیرد.^۱

واقعیت ها و حقایق تاریخی بیانگر و مبین برتری ها و شقاوت های هولناک و وحشتناکی است که جنگ ها از درون آنها زائیده شده اند. در خلال تاریخ پنج هزار ساله گذشته، جنگ ها بیش از پنج میلیارد انسان را به کشتن رساند. در طول سه هزار سال گذشته، جهان تنها حدوداً ۲۵۰ سال را در صلح و آسایش بوده است. تصرف سلاح های مخرب منجر به افزایش تعداد قربانیان و کشته شدگان گشته است. جنگ جهانی اول، بیش از ۲۰ میلیون کشته برجای گذاشت و جنگ جهانی دوم، بیش از ۵۰ میلیون نفر کشته داشت. علاوه بر آن، این جنگ ها موجب نابودی و ویرانی اموال مردم و مهم ترین دستاوردها و تولیدات بشری شد.

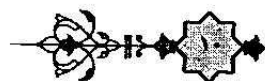
^۱ - رجوع کنید به: دکتر حامد سلطان: جنگ در عرصه حقوق بین الملل، مجله مصری القانون الدولی، جلد

بدین سبب جنگ، عملی است که آینده بشریت را تهدید و در معرض خطر نابودی قرار می‌دهد و از این رو حکما و فلاسفه، از قدیم تلاش نموده‌اند تا ابزار و وسایلی را جستجو کنند که آثار سوء در جنگ را کاهش دهند و ادیان آسمانی، انبوهی از مبانی و ارزش‌های انسانی را برای رویارویی با ابزار زور و قساوت به ارمغان آوردند که دعوت به تسامح و آرامش میان ابناء بشر و رعایت ملاحظات انسانی به هنگام درگیری و جنگ می‌نماید.

با وجود آنکه در طول اعصار متمدنی، تعالیم ادیان مورد اقبال قرار نگرفت اما عرف‌ها، آداب و رسوم الزام‌آوری شکل گرفت که فرماندهان ارتش‌ها، خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانستند. رابرت ای نیمه دوم قرن نوزدهم، تدوین عرف‌ها و ظهور و بروز آنها در شکل قراردادهای بین‌المللی آثار شد. ابتدای این امر، با قرارداد ۱۸۶۴ ژنو بود که در خصوص حمایت از بیماران و مجروحان زمان جنگ‌ها منعقد گردید و به قراردادهای چهارم ژنو در ۱۹۴۹ منتهی شد. در ۱۹۷۷، نیز سمیه و ضامنه آن تدوین شد که در پی آن قراردادهای مربوط به ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی در انواع متعدد آن بوجود آمد.

در یک تناقض عجیب و شگفت‌آور انسانی (که در تحلیل نهایی نماینده جامعه بشری است) همان کسی است که آغازگر علل جنگ است و خود در آن درگیر است و موجودی است که می‌سوزد و می‌سوزاند. آتش جنگ و شعله‌های آن را برمی‌افروزد. او همان موجودی است که در زمان بی‌باکی و سبکسری جنگ را آغاز می‌کند و این همان است که فریاد شکایت خود را از هولناکی و وحشت جنگ بلند می‌کند و در لحظات تامل و دوراندیشی در جهت محدود نمودن آن تلاش می‌نماید. مردمان را بدون هیچ‌گونه زحمت و مشقتهای در جنگ فرو می‌اندازد، به هنگام بیداری وجدانش، به جنبه‌های انسانی جنگ و کاهش بلاها و سختی‌های آن اقدام می‌ورزد. انسان مخلوقی عجیب و غریب است، او عین بیماری و مرض و مبتکر درمان و شفا است، در میانه‌ی دو گرایش خیر و شر.

در [ذات] این مخلوق بشریت هم سعادت‌مند می‌شود و هم بدبخت. مقدمه اساسنامه یونسکو می‌گوید: (از آنجا که جنگ‌ها در افکار (اندیشه) مردان آغاز می‌شود پس دژهای دفاع از صلح و آرامش باید در افکار مردان بنا شود) و به تحقیق، تلاش برای بنا نهادن چنین



درهائی در عقل انسانی، سابقه‌ای بسیار طولانی و تاریخی دارد. ادیان آسمانی آن را بنا نهادند و فلاسفه و متفکران از اعصار قدیم بدان به شکل آشکاری پرداختند.^۱

ظهور حقوق بین الملل بشردوستانه نتیجه و ماحصل تمامی این اندیشه‌ها و تلاش‌هاست. این عنوان به لحاظ مفهوم و مضمون، چندان جدید نیست بلکه قواعد آن سابقه طولانی دارد. حتی بدون تردید می‌توان گفت این مضمون بسیار قدیمی‌تر از: اعلامیه مشهور امریکایی سال ۸۶، طرح صلیب سرخ بین‌المللی در سال ۱۸۵۹ و ظهور اولین قراردادهای ژنو در قرن ۱۹ می‌باشد.

اگر به اندیشه اسلام بازگردیم اثبات خواهد شد که شریعت اسلامی (بیش از ۱۴ قرن پیش و در هنگامی که مشخصه آن هرج و مرج، غلبه و زور و انقیاد و برده‌داری است)، توانسته است قواعد و بنیادهای یک نظام و سیستم متعالی را برپایه اصول اخلاق، فضیلت و انسانیت بنا نهد. نظامی که شامل تمامی احکام مربوط به جنگ و منازعه، رفتار با مجروحان و کشته‌ها و اسرا جنگی، شهروندان، تأسیسات شهری و عمرانی است. کافی است که در این زمینه به مجموعه دستورها و توصیه‌های انسانی مسئولان برای فرماندهان نظامی رجوع کنیم و آنچه را در شریعت یهود و شریعت اسلام در این خصوص مطرح شده است با یکدیگر مقایسه نماییم.

پیامبر اعظم (ص) فرماندهان سپاه اسلام را به موارد زیر توصیه می‌کردند:

خیانت و پیمان شکنی نکنید، زنان و کودکان و کهنسالان و پنهان‌گاهان در صومعه‌ها را نکشید، درختی را قطع نکنید و خانه‌ای را ویران نسازید. خلفا پس از پیامبر نیز همین توصیه‌های متعالی را تکرار نمودند. ابوبکر سپاهیان را توصیه می‌کرد که خیانت و پیمان شکنی نکنند. جسدها را مثله نمایند، اطفال و پیرمردان را نکشند. نخلها را نسوزانند، درختان میوه را قطع نکنند. گوسفند یا شتری را سر نبرند مگر برای غذا و طعام. در دوره عمر ابن خطاب نیز ضمانت‌نامه عمر، برای ساکنان قدس، در چهارده قرن پیش بسیار شبیه قراردادهای چهارگانه ژنو است. عمر، دعوت بطریک برای برپایی نماز در کنیسه را رد کرد

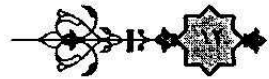
^۱ رجوع کنید به محمد عزیز شکری: تاریخ القانون الدولي الانسانی و طبیعت. مجله قضایا عربیه، مارس

برای آنکه مسلمانان کنیسه را تبدیل به مسجد نکنند و در مکان دیگری نزدیک آنجا نماز خوانند و به اهالی شهر برای برپایی آنچه را که موسوم به ضمانت‌نامه عمر است، اعطاء کرد. این ضمانت‌نامه بر در امان بودن مردم و اموالشان و کنیسه‌هایشان تأکید داشت و تعهد می‌نمود که در کنیسه‌ها کسی ساکن نشود و منهدم نگردند و پذیرش دین بر کسی اجبار نشود و به کسی ضرر و خسارتی وارد نشود و نیز آنها را متعهد می‌کرد که در ایلایه (اسم قدیم قدس) هیچ یهودی با آنها ساکن نشود.

امام علی بن ابی طالب نیز سپاهیان را به موارد زیر توصیه می‌نمود: هنگامی که شکستشان دید کسی را در حال فرار از پشت به قتل نرسانید، مجروحان را نکشید، عورتان را آشکار نسازید، کشته‌ها را مثله نکنید، پوشش‌های زنان را برندارید، به خانه‌ای بدون اجازه وارد نشوید، چیزی از اموالشان را تصاحب نکنید، زنان را اذیت و آزار نکنید حتی اگر به شما و حاکماتان دشمن و ناسزا بگویند ...

اما در شریعت یهود، مردان به دست بود، در من، توصیه می‌شوند (همانگونه که در فصول سوم و بیستم از تورات اشاره شده است) کاربرد عدو و نیرنگ با ساکنان شهرهای محاصره شده و دعوت آنها به صلح که اگر این دعوت را اجابت نمودند یا تسلیم شدند به بردگی برده می‌شوند. در شریعت یهود، اگر شهری به دست یهودیان افتاد می‌بایست ساکنان آن را از دم تیغ شمشیر گذراند، به گونه‌ای که احدی از آنان باقی نماند. همانگونه که در فصل بیستم از سفر دوم تورات بیان شده است) در فصل هشتم از سفر یسوع آمده است که بنی‌اسرائیل، اهالی سرزمین «العمی» را کشتند، «به گونه‌ای که هیچ گریزنده و نجات‌یافته‌ای از آنها باقی نماند.» و هنگامی که آنان را در کشتزارها و بیابان‌ها تحت تعقیب و کشتار قرار دادند، تعداد کشته‌گان آن روز از زنان و مردان، بالغ بر دوازده هزار نفر بود، یعنی تمام ساکنان العی را در آتش سوزاندند و آن‌جا را به تلی از خاک تبدیل نمودند و در پایان فصل دهم از تجاوز و انهدام شهرها و کشتارهای متوالی و توزیع و تقسیم زمین‌های آنها در میان فرزندان اسرائیل سخن به میان آمده است.

علی‌رغم عظمت اصول و مبانی شریعت اسلامی که از طریق اندلس و یا برخورد میان شرق و غرب به اروپا منتقل گردید، منازعه و درگیری میان اجتماعات مختلف، متوقف نشد و



هنگامی که حقوق بین الملل کلاسیک در قرن ۱۷ ظهور نمود تنها تعداد کمی از عرف‌ها و روش‌ها و سنت‌ها باقی مانده قادر به کاهش بلایا و آثار مخرب جنگ‌ها بودند.

به منظور از میان بردن علل و اسباب منازعات خونبار بین المللی، تعدادی از خیراندیشان و صلح‌طلبان، تلاش‌هایی را در جهت ایجاد قواعد و ضوابط بین المللی آغاز نمودند که هدف آن جلوگیری از اقدامات خائنانه سوز دولتها و کاهش رنج‌های دردناکی بود که بشریت در معرض آن قرار داشت.

وقایع و رخدادها، نشان می‌داد که ملت‌هایی که در طی قرن بیستم دو بار در معرض فجایع و مصائب جنگ قرار گرفته بودند تمایل به ایجاد حد و مرز و موانعی برای جنگ‌ها و درگیری‌ها و بویستی به قواعد بین المللی، برای حفظ صلح و آرامشی دائمی داشتند. بدون تردید بدست آوردن قدرت هسته‌ای توسط تعدادی از کشورها و اختراع موشک‌ها و توانایی آنها در نابودی بشریت، موجب گردید تا تمایل مضاعفی در میان ملتها برای تنظیم روابط بین المللی، حفظ صلح، ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی، حل منازعات به طریق مسالمت‌آمیز، حمایت از حقوق ساکنین سرزمین‌ها و نیروهای مسلح به هنگام وقوع جنگ بوجود آید.

در راستای اینگونه تلاش‌هاست که در سال‌های اخیر تحول عظیمی در مفاهیم و مضامین بنیادی حقوق بین الملل عمومی پدید آمد. حقوق بین الملل عمومی تنها اهتمام به روابط سیاسی و نظامی میان دولت‌ها نداشته بلکه همکاری میان دولت‌ها در زمینه‌های متعدد، مانند حقوق بشر و آزادی‌های آن در زمان صلح و جنگ را نیز در بر می‌گیرد. بدین جهت برخی از حقوق‌دانان بر این اعتقادند که انسان می‌تواند یکی از اشخاص حقوق بین الملل باشد و اهمیت آن از دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی کمتر نیست، زیرا انسان در جامعه مدرن، تنها هدفی است که دولت‌ها به خاطر آن تلاش می‌کنند و هدف نهایی همه قواعد حقوقی متوجه انسان است. منشور ملل متحد و قراردادهای بین المللی پس از آن و در صدر آنها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، همگی دلالت بر آن دارند که انسان نقطه مرکزی همه قواعد و حقوق بین المللی جدید است.

از جمله بارزترین اموری که بشریت در سایه سازمان ملل متحد به اجرای آن مبادرت کرده است، ممنوعیت به کارگیری زور و یا تهدید به کارگیری آن است. این ممنوعیت (به غیر از مواردی که حقوق بین الملل، به کارگیری زور را مجاز می داند) تبدیل به یک قاعده دستوری بین المللی شده است که نقض آن یا مخالفت با آن مجاز نمی باشد.

اما متأسفانه باید اذعان نمود که حتی پس از تشکیل سازمان ملل متحد و ممنوعیت توسل به زور، جنگ ها و منازعات مخرب و ویرانگر متوقف نگردید. اگر برای جنگ و منازعه بین المللی و غیر بین المللی نمی توان محدودیتی قرار داد؛ وظیفه انسانی اقتضاء می نماید تا قوانین و مقرراتی که بتواند از ساکنان و مجروحان نظامی و غیرنظامی در خلال جنگها حمایت نماید، وضع گردد. این وظیفه حقوق بین الملل بشردوستانه است.

پس از پایان این مقدمه، به تبادی از موضوعات فصول آینده می پردازیم:

۱. توجه و اهتمام جهانی "بین المللی به حقوق بشر"
۲. تعریف حقوق بین الملل بشردوستانه و اصول و مبانی آن
۳. ارتباط میان حقوق بین الملل بشردوستانه و دیگر قوانین و کنوانسیون ها
۴. نقش متفکران و اندیشمندان در تبلور حقوق بین الملل بشردوستانه
۵. تحول و تکامل حقوق بین الملل بشردوستانه در قرن بیستم
۶. گروه های مشمول حمایت حقوق بین الملل بشردوستانه
۷. تحول در مفاهیم جرائم بین المللی